

بررسی نقش ارضاء نیازهای بنیادین روانشناختی و خودشفقت ورزی در پیش بینی قلدری دانش آموزان دبیرستانی

The role of satisfying basic psychological needs and self-compassion in predicting bullying in high school students

Nasrin Khedmati

Master of Arts, Department of Educational Psychology, Islamic Azad University, Islamshahr Branch, Tehran, Iran.
khedmatinasrin1398@gmail.com

نسرین خدمتی

کارشناس ارشد، گروه روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر تهران، ایران

Abstract

The purpose of the present study was to investigate the role of satisfying basic psychological needs and self-compassion in predicting bullying in high school students. The research method is descriptive-correlational. The statistical population consisted of all male and female high school students in Tehran in the academic year of 1398-98 that were 224400 people. The sample size was estimated 380 using Krejcie and Morgan table and were selected by cluster random sampling. Data were collected using the Bullying Questionnaire (Pachin & Hinduja, 2011), the Psychological Needs Satisfaction Scale (Lagardia et al. 2000) and the Self-Compassion Scale (Nephi, 2003). The results were analyzed using Pearson correlation coefficient and multiple regression analysis with Enter method. The results showed that self-compassion has a negative and significant relationship with bullying. Among the basic psychological needs, communication with others and autonomy have a significant negative relationship with bullying. However, there was no significant relationship between competence and bullying. Self-compassion, communication with others, and autonomy significantly predict bullying in students. Based on the findings of the present study, it is suggested that psychological and educational interventions based on promoting self-compassion and satisfying basic psychological needs be conducted to reduce bullying in students.

Keywords: Basic Psychological Needs, Self-Compassion, Bullying

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش ارضاء نیازهای بنیادین روانشناختی و خودشفقت‌ورزی در پیش‌بینی قلدری دانش آموزان دبیرستانی بود. روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان پسر و دختر دوره متوسطه دوم شهر تهران در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ به تعداد ۲۲۴۴۰۰ نفر بودند. حجم نمونه با استفاده از جدول کرجسی و مورگان، ۳۸۰ نفر برآورد شد و به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. جهت گردآوری اطلاعات از پرسشنامه‌ی قلدری (پاچین و هیندوجا، ۲۰۱۱)، مقیاس ارضای نیازهای روانی بنیادی (لاگاردیا و همکاران، ۲۰۰۰) و مقیاس خودشفقت‌ورزی (نف، ۲۰۰۳) استفاده شد. نتایج با استفاده از روش ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه به روش همزمان تجزیه و تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که خودشفقت‌ورزی با قلدری رابطه منفی و معناداری داشت. از بین نیازهای بنیادین روانشناختی، ارتباط با دیگران و خودمختاری با قلدری رابطه منفی و معناداری داشت. درحالی‌که بین شایستگی و قلدری رابطه معناداری مشاهده نشد. خودشفقت‌ورزی، ارتباط با دیگران و خودمختاری به‌طور معناداری قلدری را در دانش آموزان پیش‌بینی نمودند. با توجه به نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود که مداخلات روانشناختی و آموزشی مبتنی بر ارتقاء خودشفقت‌ورزی و ارضاء نیازهای بنیادین روانشناختی به‌منظور کاهش قلدری دانش آموزان برگزار شود.

واژه های کلیدی: نیازهای بنیادین روانشناختی، خودشفقت ورزی، قلدری

ویرایش نهایی: فروردین ۹۹

پذیرش: اسفند ۹۸

دریافت: دی ۹۸

نوع مقاله: پژوهشی

مقدمه

آموزش و پرورش عرصه‌ای است که در آن آرمان‌های تربیتی، فرهنگی و اخلاقی دنبال می‌شوند. مدرسه نیز مکانی است که کودک در آن مهارت‌های ارتباطی، نقش جدید خود به‌عنوان دانش‌آموز، قانون‌پذیری و قانون‌باوری، سامان دادن به سیستم هیجانانگیز خویش و هنجارهای اجتماعی را می‌آموزد و به اصطلاح جامعه‌پذیر می‌شود. پر دامنه‌ترین چالش مدارس مسئله قلدری^۱ است (کرمانی مامازندی،

نجفی و اکبری بلوطبنگان، ۱۳۹۶). قلدری به عنوان سوء استفاده منظم از قدرت در روابط میان فردی تعریف شده است. همچنین کودک زمانی قربانی است که از جانب یک یا دسته‌ای از همسالان با این اعمال منفی مواجه می‌شود (فست^۱، ۲۰۱۶). قلدری را همچنین می‌توان به عنوان اعمال پرخاشگرانه تکراری نسبت به فردی که احساس ناتوانی در دفاع از خود را دارد تعریف کرد که می‌تواند به صورت قلدری مستقیم فیزیکی و کلامی و قلدری غیر مستقیم اتفاق افتد. در حالی که قلدری فیزیکی و کلامی به عنوان اشکال آشکار قلدری شناخته می‌شوند، قلدری غیرمستقیم یا عاطفی به عنوان فعالیت‌های عمدتاً ناآشکار که نیازی به رویارویی مستقیم بین فرد قلدر و قربانی ندارد اطلاق می‌شود و به صورت تلاش برای صدمه زدن به جایگاه اجتماعی یا روابط بین فردی یک دانش‌آموز از طریق رفتارهایی چون شایعه‌پراکنی یا طرد اجتماعی قربانیان تعریف می‌شود (پاریس^۲، ۲۰۱۳). قلدری در بسیاری از محیط‌ها مانند مدارس، برنامه‌های خارج از مدرسه و یا در محل‌های سکونت افراد رخ می‌دهد و از تعامل عوامل پیچیده مربوط به ویژگی‌های فردی، روابط بین‌فردی با بزرگسالان و همسالان، شرایط مدرسه و یا هنجارهای جامعه نشئت می‌گیرد (گلادن، ویالو - کانتور، همبرگر و لامکین^۳، ۲۰۱۴).

یکی از عواملی که می‌تواند با قلدری مرتبط باشد، ارضاء نیازهای بنیادین روان‌شناختی^۴ است (تراپنر، فنت و آستین^۵، ۲۰۱۵). نیازهای بنیادین روان‌شناختی، به عنوان انگیزشی برای کمک به درگیری فعال با محیط، عملکرد سالم روان‌شناختی، پرورش مهارت‌ها و رشد سالم به وجود آمده و خود را نشان می‌دهند (تالی، کو کام، شگل، مولیکس و بتنکورت^۶، ۲۰۱۲). این نیازها به صورت فطری در تمامی انسان‌ها وجود دارند و عبارت‌اند از: نیاز به استقلال، شایستگی و ارتباط (اوانس، مک فرسون و دیودسون^۷، ۲۰۱۳). خودمختاری شامل احساسی از اراده و خود تأییدی در یک فعالیت است. شایستگی اشاره دارد به تجربه مؤثر بودن وقتی با محیط خود برخورد می‌کنید و وابستگی شامل تجربه توجه و ارتباط متقابل با دیگران است (کامپبل، وانستنسکی، دلسی، سائنس و تاباک^۸، ۲۰۱۵). در صورت ارضاء این نیازها، زمینه «بهبودی»، «نشاط» و «سلامت روان» افراد فراهم می‌شود. بر این اساس لازم است بین دو سازه «عدم ارضاء» (که نقطه مقابل ارضاء است) و «ناکامی» نیازهای بنیادین روان‌شناختی تمایز قائل شد (شیخ الاسلامی، یزدانی و رضوی اصطهباناتی، ۱۳۹۸). نتایج مطالعه تراپنر و همکاران (۲۰۱۵) نشان داد، ناکامی در ارضاء نیازهای بنیادین روان‌شناختی بر قلدری کارکنان بیمارستانی تأثیر دارد. دیلماک^۹ (۲۰۰۹) در پژوهشی نشان داد، نیازهای روان‌شناختی در دانش آموزان دبیرستانی قلدری سایبری را در پیش‌بینی می‌کند. نتایج مطالعه تیان^{۱۰} و همکاران (۲۰۱۸) نشان داد که ارضاء نیازهای بنیادین روان‌شناختی با رفتارهای ضداجتماعی دانش آموزان در مدرسه مرتبط است.

از عواملی که می‌تواند با قلدری مرتبط باشد، خود شفقت‌ورزی^{۱۱} است (گانایور^{۱۲}، ۲۰۱۶). شفقت خود یک نیروی مهم انسانی است که شامل صفات مهربانی، قضاوت منصفانه و احساسات به هم پیوسته و همچنین کمک به افراد در یافتن امید و معنا دادن به زندگی موقع روبرو شدن با مشکلات است (نف، رود و کریک پاتریک^{۱۳}، ۲۰۰۷). به نقل از رضوانی و سجادیان، ۱۳۹۷) و به معنای هدایت کردن ساده مهربانی به سوی خود، تجربه پذیری و تحت تأثیر قرار گرفتن از رنج دیگران است (نف و گرمر^{۱۴}، ۲۰۱۷). نف، شفقت خود را به عنوان سازه‌ای سه مؤلفه‌ای شامل مهربانی با خود در مقابل قضاوت کردن خود، اشتراکات انسانی در مقابل انزوا و بهوشیاری در مقابل همانندسازی فزاینده، تعریف کرده است. ترکیب این سه مؤلفه مرتبط، مشخصه فردی است که بر خود شفقت دارد (نف، ۲۰۱۲). مؤلفه خودمهربانی در مقابل خود قضاوتی، به این اشاره دارد که شخصی که شفقت به خود بالایی دارد، قادر است حتی هنگام مواجهه با ناکامی‌ها و بدبختی‌ها، دیدگاهی متعادل و همراه با مهربانی نسبت به خود داشته باشد. اشتراک انسانی در مقابل انزوا به این معناست که هنگام تجربه شکست و رنج در زندگی به این امر آگاه باشیم که تمام انسان‌ها شکست می‌خورند و رنج را تجربه می‌کنند و این شرایط

-
- 1 . Fast
 - 2 . Parris
 - 3 . Gladden, Vivolo – Kantor, Hamburger & Lumpkin
 - 4 . Basic Psychological Needs
 - 5 . Trépanier, Fernet & Austin
 - 6 . Talley, Kocum, Schlegel, Molix & Bettencourt
 - 7 . Evans, McPherson & Davidson
 - 8 . Campbell, Vansteenkiste, Delesie, Soenens & Tobbacq
 - 9 . Dilmac
 - 10 . Tian
 - 11 . self-compassion
 - 12 . Gonynor
 - 13 . Neff, Rude & Kirkpatrick
 - 14 . Germer

(شکست و رنج) بخشی از تجربه معمول بشری است که در زندگی تمام انسان‌ها اتفاق می‌افتد و ذهن آگاهی در مقابل همانندسازی افراطی به معنی آن است که افراد نسبت به احساس‌ها و هیجان‌های خودآگاه باشند و آن‌ها را به گونه‌ای مناسب و مثبت در نظر بگیرند و تجربه کنند، بدون آنکه از آن‌ها اجتناب کنند و یا به طور کامل در سیطره آن‌ها قرار بگیرند (رجبی، گشتیل و امان الهی، ۱۳۹۵). گانایور^۱ (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای نشان داد، خودشفقت ورزی با قلدری نوجوانان رابطه منفی معناداری دارد.

با توجه به اثرات مخرب قلدری بر سلامت عاطفی، جسمی و روانی نوجوانان، شناسایی پیش‌بینی‌کننده‌ها، همبسته‌ها و عوامل مؤثر بر قلدری در نوجوانان از اهمیت به سزایی برخوردار است. نتایج این پژوهش می‌تواند در زمینه پیشگیری و درمان قلدری نوجوانان استفاده شود. این مطالعه با هدف بررسی نقش ارضاء نیازهای بنیادین روان‌شناختی و خودشفقت ورزی در پیش‌بینی قلدری دانش آموزان دبیرستانی انجام شد.

روش

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان پسر و دختر دوره متوسطه دوم شهر تهران در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ به تعداد ۲۲۴۴۰۰ نفر بودند. حجم نمونه با استفاده از جدول کرجسی و مورگان، ۳۸۰ نفر برآورد شد و به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. بدین ترتیب که از مناطق ۱۹ گانه شهر تهران، ۵ منطقه (۱۷، ۱۲، ۱۴، ۲۰) به طور تصادفی انتخاب و از هر منطقه ۲ مدرسه (یک مدرسه دخترانه و یک مدرسه پسرانه) و از هر مدرسه برای انتخاب نمونه، از بین مقاطع دهم تا دوازدهم به طور تصادفی دو کلاس انتخاب گردید. در نهایت ۳۰۰ پرسشنامه بعد از کنار گذاشتن پرسشنامه‌های مخدوش و ناقص که عمدتاً از مدارس پسرانه بودند، مورد تحلیل واقع شدند. در این مطالعه کلیه ملاحظات اخلاقی از جمله داوطلبانه بودن شرکت در مطالعه و نیز محرمانه بودن اطلاعات مربوط به شرکت‌کنندگان رعایت شده است.

ابزار سنجش

پرسشنامه‌ی قلدری^۲ (پاچین و هیندوجا^۳، ۲۰۱۱): این مقیاس خودگزارش دهی توسط پاچین و هیندوجا (۲۰۱۱) با اقتباس از پرسشنامه‌ی قلدری/ قربانی الیوس برای اندازه‌گیری قلدری نوجوانان در سی روز گذشته ساخته شده و مشتمل بر ۱۵ گویه است که اشکال مختلف قلدری (کلامی، ارتباطی و جسمانی / سنتی و سایبری) را می‌سنجد. نمره‌گذاری آزمون بر اساس طیف لیکرت بوده، به این ترتیب که از آزمودنی خواسته می‌شود تا میزان تکرار رفتار مذکور در هر گویه را در یک ماهه‌ی اخیر با گذاردن علامت در جای مناسب آن مشخص سازد؛ نمرات بیشتر نشان‌دهنده‌ی قلدری شدیدتر آزمودنی است: (بندرت یا هرگز = ۱، دو یا سه بار در ماه گذشته = ۲، یک یا دو بار در هفته = ۳ و تقریباً هر روز = ۴). ضریب آلفای کرانباخ آن ۰/۸۸ گزارش شده است. در پژوهش علانی کلجاهی (۱۳۹۲) ضریب همبستگی بازآزمایی یک هفته‌ای برای نمره‌ی کلی مقیاس در یک نمونه‌ی ۳۴ نفری، برابر با ۰/۸۱ به دست آمد که نشان‌دهنده‌ی ثبات زمانی قابل قبول آزمون است. ضریب آلفای کرانباخ برای کل مقیاس ۰/۷۷ محاسبه شد که نشانگر همسانی درونی خوب آزمون است. در پژوهش حاضر نیز ضریب پایایی پرسشنامه از طریق محاسبه ضریب آلفای کرانباخ برای کل پرسشنامه ۰/۷۶ به دست آمد.

مقیاس ارضای نیازهای روانی بنیادی^۴ (لاگاردیا^۵ و همکاران، ۲۰۰۰): در این پژوهش از پرسشنامه ۲۱ سؤالی موجود برای سنجش ارضای نیازهای بنیادی روانی در حالت کلی استفاده شده است. لاگاردیا، رایان، کاچمن و دسی^۶ (۲۰۰۰) این مقیاس را ساختند که میزان حمایت از نیازهای خودمختاری، شایستگی و ارتباط با دیگران را می‌سنجد. ضرایب پایایی حاصل از اجرای آن روی مادر، پدر، شریک رمانتیک و دوستان آزمودنی‌ها به ترتیب ۰/۹۲، ۰/۹۲، ۰/۹۲، ۰/۹۲ گزارش شده‌اند (لاگاردیا و همکاران، ۲۰۰۰). همچنین این مقیاس در نمونه‌های دانشجویان، معتادان و بیماران قلبی ایرانی اجرا شده است و از روایی و پایایی مطلوبی برخوردار است؛ به طوری که آلفای آن بین ۰/۷۶ تا ۰/۷۹ در نوسان بوده است (محمدی، ۱۳۸۶؛ قاسمی‌پور و قربانی، ۱۳۸۹). در پژوهش حاضر نیز ضریب پایایی پرسشنامه از طریق

1. Gonynor
2. Bullying Questionnaire
3. Patchin & Hinduja
4. Psychological Needs Satisfaction Scale
5. La Guardia
6. Ryan, Couchman & Deci

محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۴ و برای سه مؤلفه‌ی آن به این شرح به دست آمد: نیازهای خودمختاری ۰/۷۵، شایستگی ۰/۸۰ و ارتباط با دیگران ۰/۸۵، به دست آمد.

مقیاس خودشفقت ورزشی^۱ (نف، ۲۰۰۳): این مقیاس توسط نف (۲۰۰۳) به منظور سنجش میزان شفقت ورزشی به خود ساخته شده است و دارای ۲۶ گویه است که به صورت مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای (از تقریباً هرگز (۱) تا تقریباً همیشه (۵)) پاسخ داده می‌شود. در این مطالعه نمره کل حاصل از این پرسشنامه به عنوان نمره کل شفقت ورزشی به خود در نظر گرفته شد. این مقیاس سه مؤلفه دوقطبی را در قالب ۶ خرده مقیاس: خود مهربانی در مقابل خودقضاوتی (معکوس)، حس اشتراکات انسانی در مقابل انزوا (معکوس) و بهوشیاری ذهن آگاهی در مقابل بیش همانندسازی معکوس اندازه‌گیری می‌کند. ابعاد منفی به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. آلفای کرونباخ در نسخه ایرانی توسط خسروی، صادقی و یابنده (۱۳۹۲) چنین گزارش شده است: مهربانی با خود ۰/۸۱، قضاوت نسبت به خود ۰/۷۹، اشتراکات انسانی ۰/۸۴، انزوا ۰/۸۵، بهوشیاری ۰/۸۰، همانند سازی افراطی ۰/۸۳ و کل مقیاس ۰/۷۶. تحلیل عاملی این ابزار با استفاده از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس در مجموع ۷۵/۱۱ درصد واریانس کل مقیاس را تبیین می‌کند (کرد و شریفی، ۱۳۹۳). در پژوهش حاضر نیز ضریب پایایی پرسشنامه از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۶ به دست آمد.

یافته‌ها

آماره‌های محاسبه شده شامل میانگین، انحراف معیار و آماره کولموگوروف اسمیرنوف است. نتایج این محاسبات در جدول (۱) گزارش می‌شوند.

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش به همراه نتایج آزمون کولموگوروف اسمیرنوف

متغیر	میانگین	انحراف معیار	آماره کولموگوروف اسمیرنوف	معنی‌داری
قلدری	۳۰/۶۰	۴/۴۲	۱/۳۳	۰/۰۵
خودمختاری	۱۸/۲۶	۴/۰۶	۱/۳۳	۰/۰۵
ارتباط با دیگران	۱۵/۳۳	۴/۳۶	۱/۳۲	۰/۰۶
شایستگی	۱۷/۱۱	۴/۲۴	۱/۳۵	۰/۰۵
خودشفقت ورزشی	۴۵/۲۵	۶/۴۶	۱/۳۲	۰/۰۶

نتایج جدول (۱) نشان می‌دهد، سطح معناداری در این آزمون بیشتر از ۰/۰۵ شده است؛ بنابراین تفاوت معناداری بین توزیع نمرات با توزیع نرمال وجود ندارد؛ لذا مفروضه نرمال بودن توزیع نیز رعایت شده است. برای سنجش رابطه بین ارضاء نیازهای بنیادین روان‌شناختی و خود شفقت ورزشی با قلدری از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج این محاسبات در جدول (۲) گزارش می‌شوند.

جدول ۲- ضریب همبستگی بین ارضاء نیازهای بنیادین روان‌شناختی و خود شفقت ورزشی با قلدری

ردیف	متغیر	قلدری	سطح معناداری
۱	خودمختاری	-۰/۱۷	۰/۰۰۳
۲	ارتباط با دیگران	-۰/۲۱	۰/۰۰۱
۳	شایستگی	۰/۰۱	۰/۷۶۱
۴	خود شفقت ورزشی	-۰/۱۶	۰/۰۰۴

^۱. Self-Compassion Scale

نتایج جدول (۲) نشان می‌دهد، رابطه بین قلدری و مؤلفه‌های نیازهای بنیادین روان‌شناختی از جمله خودمختاری ($P < 0/01$ ، $r = -0/17$) و ارتباط با دیگران ($P < 0/01$ ، $r = -0/21$) به لحاظ آماری معنادار و منفی است. در حالی که بین قلدری و احساس شایستگی رابطه معناداری مشاهده نشد ($P > 0/05$ ، $r = 0/01$). رابطه بین قلدری و خود شفقت ورزی به لحاظ آماری معنادار و منفی است ($P < 0/01$ ، $r = -0/17$).

قبل از انجام تحلیل رگرسیون چند متغیره باید از برقرار بودن مفروضات اصلی آن اطمینان حاصل نمود. همان‌طور که در جدول (۳) مشاهده می‌شود، آماره VIF بین بازه بهینه پیش‌فرض ۱ تا ۵ ($1 \leq VIF \leq 5$) قرار دارد که در حالت کلی عدم همخطی بین متغیرهای مستقل در مدل‌های رگرسیونی پژوهش را نشان می‌دهد. همچنین مقدار آماره تلورانس بیش از ۰٫۵ بوده و نزدیک به صفر نیست که برای پذیرفتن عدم همخطی مناسب است. با توجه به اینکه مقدار آماره دوربین واتسون در بازه ۱٫۵ و ۲٫۵ قرار گرفته است می‌توان نتیجه گرفت بین خطاها همبستگی وجود ندارد.

جدول ۳- خلاصه نتایج رگرسیون به روش هم‌زمان برای پیش‌بینی قلدری بر اساس ارضاء نیازهای بنیادین روان‌شناختی

متغیرهای پیش‌بین	R	R ²	F	P	ضرایب استاندارد	T	P	آماره همخطی		دوربین واتسون
								VIF	Tolerance	
خودمختاری	۰/۲۶	۰/۰۸	۷/۰۹	۰/۰۰۰۱	-۰/۱۲	-۲/۲۴	۰/۰۲۵	۰/۹۵	۱/۰۴	۱/۹۱
ارتباط با دیگران					-۰/۱۸	-۳/۳۵	۰/۰۰۱	۰/۹۵	۱/۰۴	
شایستگی					۰/۰۳	۰/۵۷	۰/۵۶۳	۰/۹۹	۱	
خود شفقت ورزی					-۰/۱۵	-۲/۷۱	۰/۰۰۷	۰/۹۹	۱	

نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد، میزان F مشاهده شده ($F = 7/09$ ؛ $P = 0/0001$) معنادار بوده و تقریباً ۸ درصد از واریانس متغیر قلدری به وسیله‌ی ارضاء نیازهای بنیادین روان‌شناختی و خودشفقت ورزی قابل پیش‌بینی است ($R^2 = 0/08$). ضرایب استاندارد بتا نشان می‌دهد، خودمختاری با ضریب بتای ۰/۱۲، ارتباط با دیگران با ضریب بتای -۰/۱۸ و خود شفقت ورزی با ضریب بتای -۰/۱۵ به‌طور معناداری قادر به پیش‌بینی قلدری است.

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش ارضاء نیازهای بنیادین روان‌شناختی و خود شفقت ورزی در پیش‌بینی قلدری دانش‌آموزان دبیرستانی بود. نتایج نشان داد، خود شفقت ورزی با قلدری رابطه منفی و معناداری دارد و قادر به پیش‌بینی آن می‌باشد. این یافته با نتایج پژوهش گاناپور (۲۰۱۶) همخوانی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت، خود شفقت ورزی بر احساسات مشترک انسانی متمرکز است. این ویژگی مشترک بشری از فرهنگ، ارزش‌های بشری، عدالت، استقلال و تحمل الهام می‌گیرد. به این دلیل که ویژگی مشترک بشری جوهره اصلی ارزش‌های فرهنگی و جهانی است. افرادی که ویژگی مشترک بشری دارند ارزش‌های فرهنگی‌شان را حفظ می‌کنند، به ارزش‌های فرهنگی کشورهای دیگر احترام می‌گذارند، به ارزش‌های اساسی آزادی‌خواهی مثل عدالت، برابری و آزادی باور دارند و سعی می‌کنند ارتباطشان را در مسیر ارزش‌هایشان سازگار نمایند. این افراد هم خود و هم دیگران را تحمل می‌کنند (شهبازی، رجبی، مقامی و جلوداری، ۱۳۹۴). افراد خود شفقت ورز نسبت به خود و دیگران به یک اندازه مهربان هستند (نف و پامیر، ۲۰۱۳). افراد خودشفقت ورز، از توان خودتنظیمی، خودکارآمدی، بهوشیاری، دریافت دیدگاه فرد مقابل، درک و همدلی، ظرفیت تحمل احساسات دردناک و قضاوت اخلاقی و بخشش برخوردار بوده و بنابراین از کارکردهای روان‌شناختی سالم برخوردار هستند. وجود چنین خصیصه‌هایی در افراد جامعه موجب کاهش خشونت‌ها،

رفتارهای انتقام جویانه و تکانشی خواهد شد (اصلانی و اسکندری، ۱۳۹۷). در نتیجه این ویژگی با قلدری که با ابراز خشونت، تحقیر و نادیده گرفتن حقوق دیگران همراه است در تناقض است (گانایور، ۲۰۱۶).

نتایج نشان داد، از بین نیازهای بنیادین روان شناختی، ارتباط با دیگران و خودمختاری با قلدری رابطه منفی و معناداری دارد. درحالیکه بین شایستگی و قلدری رابطه معناداری مشاهده نشد. ارتباط با دیگران و خودمختاری به طور معناداری قلدری را در دانش آموزان پیش‌بینی می‌کنند. این یافته با نتایج پژوهش تراپنر و همکاران (۲۰۱۵)، دیلماک (۲۰۰۹) و تیان و همکاران (۲۰۱۸) همخوانی دارد. در تبیین رابطه نیازهای بنیادین روان‌شناختی و قلدری می‌توان گفت، ارتباط با دیگران به معنای ارتباط با کسانی است که برای فرد اهمیت دارند و یا از او حمایت می‌کنند. این مؤلفه به ایجاد روابط رضایت مندانه و ارضاکنده با دیگران؛ به طوری که بتواند آزادی، مراقبت و صمیمیت به وجود آورد (دسی، اولافسن و رایان، ۲۰۱۷). این در حالی است که افرادی که دیگران را مورد رفتارهای قلدرانه خود قرار می‌دهند به این دلیل چنین کاری را انجام می‌دهند که اطلاعات اجتماعی را به درستی پردازش نمی‌کنند و فاقد مهارت‌هایی برای درک دیدگاه‌های دیگران هستند؛ بنابراین افراد قلدر، آگاهی اندکی از آنچه دیگران در موردشان فکر می‌کنند، دارند و توانایی اندکی را برای برقراری ارتباط نشان می‌دهند (سپهریان آذر، محمدی و بلوتک، ۱۳۹۵). خودمختاری نیز عبارت است از نیاز به انتخاب کردن و تنظیم کردن رفتار. آدم خودمختار کسی است که میل دارد به جای اینکه رویدادهای محیط، اعمال او را تعیین کنند، خودش حق انتخاب داشته باشد (براون و رایان، ۲۰۱۵). افراد با سطوح بالاتر خودمختاری دارای خودتنظیمی و خودکنترلی هستند. این در حالی است که خودکنترلی و خودتنظیمی ضعیف به رفتارهای قلدرانه منجر می‌شود (مون و آلاکید، ۲۰۱۴).

با توجه به نتایج پژوهش از طریق ارزیابی ویژگی‌های روان‌شناختی در سنین پایین‌تر می‌توان به شناسایی نوجوانان و دانش آموزان مستعد قلدری پرداخت و تمهیداتی را برای انجام مداخله‌های پیشگیرانه تدارک دید. با این حال پژوهش حاضر دارای محدودیت‌هایی است که در تعمیم نتایج باید مد نظر قرار گیرد. محدود بودن جامعه آماری پژوهش به دانش آموزان مقطع دوم متوسطه شهر تهران، عدم کنترل عواملی که می‌توانند بر نتیجه پژوهش تأثیرگذار باشند، مانند وضعیت اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی و روش خودگزارش دهی از جمله محدودیت‌های این پژوهش بود. همچنین روش پژوهش حاضر از نوع همبستگی رابطه بود و لذا امکان نتیجه‌گیری علت-معلولی وجود نداشت.

منابع

- اصلانی، سعید، اسکندری، حسین (۱۳۹۷). شفقت ورزی و امنیت جامعه. *رویش روانشناسی*، ۷(۱۱)، ۳۵۴-۳۴۱.
- کرمانی مامازندی، زهرا، نجفی، محمود، اکبری بلوطبنگان، افضل (۱۳۹۶). مقایسه قلدری، قربانی، نزاع، اضطراب، استرس و افسردگی در دو گروه دختران با و بدون افکار خودکشی. *مطالعات اجتماعی - روان شناختی زنان*، ۱۵(۴)، ۹۹-۷۹.
- شیخ الاسلامی، راضیه، رضوی اصطهباناتی، زینب، و یزدانی، فرزانه (۱۳۹۸). ویژگی‌های روان سنجی مقیاس ارضا و ناکامی نیازهای بنیادین روان شناختی. *روانشناسی*، ۱(۸۹)، ۸۲-۶۶.
- رضوانی، مرجان، سجادیان، ایلناز (۱۳۹۷). نقش میانجی شفقت خود در تأثیر ویژگی‌های شخصیتی بر عملکردهای روانشناختی مثبت در دانشجویان دختر. *پژوهش نامه روانشناسی مثبت*، ۴(۳)، ۲۷-۱۳.
- رجبی، غلامرضا، گشتیل، خدیجه، امان الهی، عباس (۱۳۹۵). بررسی رابطه خوددلسوزی و افسردگی با میانجی‌گری‌های نشخوار فکری و نگرانی در پرستاران زن متأهل. *نشریه پرستاری ایران*، ۲۹(۹۹ و ۱۰۰)، ۲۱۰-۱۰.
- علایی کلجاهی، پروانه (۱۳۹۲). *اثر بخشی آموزش مدیریت شرم در چارچوب برنامه‌ی PEGS در تعامل با شیوه‌های فرزندپروری و کیفیت ارتباط دانش‌آموز- معلم بر قلدری در مدرسه*. پایان نامه دکترا، دانشگاه تبریز.
- قاسمی‌پور، یداله، قربانی، نیما (۱۳۸۹). بهوشیاری و نیازهای بنیادی روانشناختی در بیماران قلبی - عروقی. *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۱۶(۲)، ۱۵۴-۱۶۲.
- محمدی، راحله (۱۳۸۶). *بررسی نقش تعدیل‌کننده رویدادهای استرس‌زا، حمایت اجتماعی، اختلالات شخصیت و خودشناسی در ارتباط نیازهای بنیادی و سوء مصرف مواد*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روانشناسی عمومی. دانشگاه تهران.

- خسروی، صدراله، صادقی، مجید، یابنده، محمدرضا. (۱۳۹۲). کفایت روانسنجی مقیاس شفقت خود (SCS)، روشها و مدل‌های روانشناختی، ۳ (۱۳)، ۴۷-۵۹.
- گرد، بهمن، و شریفی، حسن پاشا. (۱۳۹۳). بررسی ویژگی‌های روان سنجی مقیاس خوددلسوزی در بین دانشجویان. اندازه‌گیری تربیتی، ۱۶ (۲)، ۷۶-۹۲.
- شهبازی، مسعود، رجبی، غلامرضا، مقامی، ابراهیم، جلوداری، آرش. (۱۳۹۴). ساختار عامل تاییدی نسخه فارسی مقیاس درجه بندی تجدیدنظر شده شفقت-خود در گروهی از زندانیان. روشها و مدل‌های روان شناختی، ۱۹ (۲)، ۳۱-۴۶.
- سپهریان آذر، فیروزه، محمدی، نادر، و بلوتک، حسین. (۱۳۹۵). بررسی میزان شیوع قلدری و مقایسه پیشرفت تحصیلی، سلامت عمومی و خودکارآمدی اجتماعی در نوجوانان با رفتاری قلدری و عادی. پژوهش‌های کاربردی در روان‌شناسی تربیتی، ۱ (۲)، ۳۲-۲۳.
- Brown, K. W., & Ryan, R. M. (2015). A self-determination theory perspective on fostering healthy self-regulation from within and without. *Positive psychology in practice: Promoting human flourishing in work, health, education, and everyday life*, 139-157.
- Campbell, R., Vansteenkiste, M., Delesie, L. M., Mariman, A. N., Soenens, B., Tobbac, E., ... & Vogelaers, D. P. (2015). Examining the role of psychological need satisfaction in sleep: A Self-Determination Theory perspective. *Personality and individual differences*, 77, 199-204.
- Deci, E. L., Olafsen, A. H., & Ryan, R. M. (2017). Self-determination theory in work organizations: The state of a science. *Annual Review of Organizational Psychology and Organizational Behavior*, 4, 19-43.
- Dilmac, B. (2009). Psychological needs as a predictor of cyber bullying: A preliminary report on college students. *Educational Sciences: Theory and Practice*, 9(3), 1307-1325.
- Evans, P., McPherson, G. E. & Davidson, J. W. (2013). The role of psychological needs in ceasing music and music learning activities. *Psychology of Music*, 41(5), 600-619.
- Fast, J. (2016). *Beyond bullying: Breaking the cycle of shame, bullying and violence*. Oxford University Press.
- Gladden, R. M., Vivolo – Kantor, A. M., Hamburger, M. E., & Lumpkin C. D. (2014). *Bulling surveillance among youth*. Atlanta, GA: Department of Education.
- Gonynor, K. A. (2016). *Associations among mindfulness, self-compassion, and bullying in early adolescence* (Doctoral dissertation, Colorado State University. Libraries).
- La Guardia, J. G., Ryan, R. M., Couchman, C. E., & Deci, E. L. (2000). Within-person variation in security of attachment: A self-determination theory perspective on attachment, need fulfillment, and well-being. *Journal of Personality and Social Psychology*, 79, 367-384.
- Moon, B., & Alarid, L. F. (2015). School bullying, low self-control, and opportunity. *Journal of interpersonal violence*, 30(5), 839-856.
- Neff, K. D., Germer, C. (2017). Self-Compassion and Psychological Wellbeing, In J. Doty (Ed.) *Oxford Handbook of Compassion Science*, Chap. 27, Oxford University Press.
- Neff, K. D. (2012). The science of self-compassion. In C. Germer & R. Siegel (Eds.), *Compassion and Wisdom in Psychotherapy* (pp. 79-92). New York: Guilford Press.
- Neff, K. D., & Helwig, C. C. (2002). A constructivist approach to understanding the development of reasoning about rights and authority within cultural contexts. *Cognitive Development*, 17, 1429- 1450.
- Neff, K., & Pommier, E. (2013). The relationship between self compassion and other-focused concern among college undergraduates, community adults, and practicing meditators. *Self and Identity*, 12(2), 160-176.
- Parris, L. N. (2013). *The Development and Application of the Coping with Bullying Scale for Children*. [Doctoral dissertation]. Georgia, USA: Georgia State University.
- Patchin, J.W., & Hinduja, S. (2011). Traditional and nontraditional bullying among youth: A Test of General Strain Theory. *Youth & Society*, 43(2), 727– 751.
- Roca, J. C., Chiu, C. M., & Martinez, F. J. (2006). Understanding elearning continuance intention: An extension of the Technology Acceptance Model. *International Journal of Human-Computer Studies*, 64(8), 683–696.
- Talley, A. E., Kocum, L., Schlegel, R. J., Molix, L. & Bettencourt, A. (2012). Social roles, basic need satisfaction, and psychological health: the central role of competence. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 38 (2), 155-173.
- Tian, L., Zhang, X., & Huebner, E. S. (2018). The effects of satisfaction of basic psychological needs at school on children's prosocial behavior and antisocial behavior: The mediating role of school satisfaction. *Frontiers in psychology*, 9, 548.
- Trépanier, S. G., Fernet, C., & Austin, S. (2016). Longitudinal relationships between workplace bullying, basic psychological needs, and employee functioning: A simultaneous investigation of psychological need satisfaction and frustration. *European Journal of Work and Organizational Psychology*, 25(5), 690-706.

